



عکس از نعیم احمدی / ایران ورزشی ■ Nimi. Ahmadi

درس های بازی پیکان برای کادر فنی نیاز به هافبک کناری و مهاجم ذخیره برای لیگ بیستم

تحلیل

استقلال در شب تساوی با پیکان طراوت همیشگی را نداشت. نشانه های ۶ بازی سنگین در ۲۴ روز در این بازی آشکار شد و انگار استقلال نمی توانست برای زدن گل دوم پیکان را تحت فشار بیشتری قرار دهد. آنها یک نیمه برای زدن گل برتری وقت داشتند، ولی فرصت های محدودی ساختند و تعویض ها هم نتوانست گره بازی را باز کند. خستگی اما تنها مشکل استقلال مقابل پیکان نبود. تیم در فاز هجومی به چند بازیکن متکی است و هنوز ناهماهنگی هایی در خط میانی و حمله دیده می شود. هر کدام از این مشکلات هشدار برای مجیدی است تا بداند تیمش برای لیگ بیستم به چه تغییرات و مهره های جدیدی نیاز دارد. تماشای چندباره بازی با پیکان می تواند سرخ هایی به کادر فنی بدهد تا مشکلات تیم را ببینند و در انتخاب فهرست فصل آینده دقیق تر عمل کنند.

بیشتر بار خط میانی استقلال در بخش هجومی روی دوش علی کریمی است. اودر دوبازی اخیر مقابل سپاهان و پیکان بهترین بازیکن تیمش بوده و گل زده، ولی نمایش خوب او هم برای گرفتن سه امتیاز از تیم ویسی کافی نبود.

استقلال در حالی روی ۲-۴-۱۴ اصرار دارد که هافبک های چپ و راست مناسب این چیدمان در فهرست تیمش نیست. به نظر می رسد رضواند در کانال میانی عملکرد بهتری دارد و وریا غفوری متخصص این پست نیست. فرشید اسماعیلی پس از چند بازی خوب در شروع فصل نتوانسته بازیکن مؤثری باشد و او هم برای بازی در کنار زمین گزینه چندان مناسبی نیست. میلیچ، دیگر انتخاب مجیدی در این پست بوده که او هم پیشتر یک مدافع است.

استقلال اگر در مرکز زمین خیالش از زوج ریگی-کریمی راحت است و فرشید باقری را هم در این پست دارد، در کناره ها دستش خالی است و باید به فکر بازیکنان جدید باشد. داریوش شجاعیان که از مصدومیت برگشته و اجازه بازی ندارد، فصل آینده می تواند در پست هافبک کناری خیلی مؤثر باشد، یا وجود این استقلال به یک هافبک کناری تخصصی دیگر نیاز دارد.

مشکل دیگر استقلال نیمکتی است که هیچ بازیکن گره گشایی روی آن دیده نمی شود. محدودیت نفرات استقلال در خط حمله هم مثل خط میانی محسوس است و روزی که نفرات اصلی آماده نباشند، دست کادر فنی برای تغییر بسته است.

وقتی ارسلان مطهری در نیم فصل به استقلال پیوست، این سؤال مطرح شد که مجیدی یا سه مهاجم آماده می خواهد چه کار کند، ولی تقریباً مسابقه ای نبوده که او هر سه آنها را در اختیار داشته باشد و حتی در برخی از بازی ها (سپاهان در جام حذفی) تنها یکی از آنها در دسترس بوده است.

تجربه این فصل نشان می دهد این سه گلزن با کیفیت زیاد مصدوم می شوند و اگر استقلال اصرار به بازی با همین چیدمان دارد باید حداقل یک مهاجم دیگر به تیمش اضافه کند. این به شرطی است که قایدی و دیاباته از استقلال جدا نشوند. در فهرست استقلال مهاجمان دیگری هم حضور دارند، ولی جدایی تبریزی به دلیل آمار ضعیفش تقریباً قطعی است و به نظر می رسد کادر فنی اعتقاد زیادی به بلیلی ندارد.

فصل آینده هم برای استقلال فشرده و فرسایشی خواهد بود و بدون تقویت تیم در فاز تهاجمی بعید است مجیدی بختی برای موفقیت در این مارا تن طولانی داشته باشد.

فرصت استراحت در بوشهر از دست رفت

اگر استقلال می توانست پیکان را ببرد، سهمیه اش قطعی می شد و مجیدی قبل از بازی حساس جام حذفی مقابل پرسپولیس می توانست در بوشهر به شاگردانش استراحت بدهد، ولی حالا مجبور است مقابل شاهین بازیکنان کلیدی اش را هم به زمین بفرستد.

استقلال برای اطمینان از سهمیه تنها به یک امتیاز نیاز دارد و از طرف دیگر شاهین با قطعی شدن سقوطش روحیه خوبی نخواهد داشت، با این حال مجیدی نمی تواند ریسک کند و تیم کاملاً جوانی به زمین بفرستد. استقلال در مرداد برنامه فشرده ای داشته و بازی بوشهر هفتمین بازی این تیم در ماه جاری خواهد بود.

۳۰ گل خورده و تنها ۷ کلین شیت در ۲۹ بازی لیگ

استقلال، قلعه نفوذپذیر

نگاه



حمید رضا عرب ■ @hamidreza59arab

استقلال در هیچ دوره لیگ برتر بدون داشتن خط دفاعی منسجم قهرمان نشده است؛ نه استقلال و نه دیگر تیم هایی که قهرمانی هایی را به نام خود ثبت کرده اند.

درواقع رسیدن به جام قهرمانی همواره مستلزم داشتن دفاعی منسجم است و عناصر مدافع و دروازه بان باید در بهترین فرم فنی خود قرار داشته باشند تا یک تیم به شکوه و عظمت دست یابد.

باید واقع بین بود که قهرمانی های اخیر سرخ ها در لیگ برتر هرگز به دست نیامد مگر با داشتن دفاعی هماهنگ. سپاهان نیز در سال هایی که در فوتبال ایران آقای می کرد، از خط دفاعی منسجم و کم اشتباه برخوردار بود. چنانچه بخواهیم دلایل قهرمانی استقلال خوزستان در فصل سیزدهم را از زیبایی کنیم باز هم به خط دفاع کم نقص این تیم برمی خوریم که اسباب قهرمانی تیم منحل شده اهواز را فراهم کرد.

اسباب قهرمانی ها در لیگ برتر در واقع ارتباط مستقیم داشته با وضعیت دفاعی تیم ها و در کنار آن داشتن خط آتش پرکار که استقلال در فصل جاری از آن بهره مند بود، اما آنچه آبی ها را از دستیابی به جام محروم کرد ضعف های دفاعی بود. استقلال در فصلی که یک بازی به پایانش باقی مانده با اینکه عناصر هجومی اش در صدر بهترین های لیگ قرار دارند اما در بخش دفاعی بسیار متزلزل عمل کرده و عوامل متعددی سبب شده این تیم تا همین هفته بیست و نهم آمار عجیب ۳۰ گل خورده را از خود بر جا بگذارد که اگر خوشبینانه بنگریم و این تیم در بازی آخر هم دروازه خود را بسته نگه دارد، باز هم میانگین یک گل خورده در هر بازی برای این تیم قطعی است.

عملکرد دفاعی استقلال از همان هفته های آغازین که استراماچونی روی نیمکت آبی ها بود نشان از ضعف های آشکار و پنهان داشت که هر چه به میانه های لیگ رسیدیم این وضعیت مخاطره آمیز در شکل بازی استقلال بیشتر نمود پیدا کرد.

در همین بازی با پیکان شاهد رقم خوردن گلی به سود میهمان بودیم که اوج ناهماهنگی در خط دفاع دیده شد و در حالی که مغالط و اماملی در میان ۳ مدافع استقلال بودند کاری از دست آنها بر نیامد و آبی ها این جنگ ۳ به ۲ را به رغم داشتن نفرات بیشتر باختند تا مهاجم میانه قد پیکان از خلع به وجود آمده بهره گیر و دروازه استقلال را باز کند.

در خلق این گل، شگفت آور بود که روزبه چشمی اقدام به مهار یار خودی

مربیان استقلال هم در این ایام نتوانستند رویه مدافعان خود را متحول کنند تا کار به نقطه ای برسد که استقلال ۳۰ گل خورده را مقابل نامش ببیند

(یزدانی) کرد و دانشگر نیز در اوج بی مسئولیتی تنها نظاره گر پرش نه چندان بلند امامعلی بود. علاوه بر ضعف های فردی که نمونه اش را مقابل پیکان دیدیم، تغییرات پی در پی تاکتیکی و جابه جایی نفرات موجب کاهش اثرگذاری دفاع استقلال شده و در کنارش نوسانات گاه و بیگاه حسینی نیز مزید بر علت بوده تا استقلال یکی از سال های پراشتقاق دفاعی خود را تجربه کند.

استقلال گاهی در لیگ با چهار دفاع ظاهر شد و گاهی با سه دفاع که بازی

با سه دفاع متمرکز بیشتر در زمان استراماچونی انجام شد. این تغییرات در شکل به کارگیری بازیکنان یقیناً سهمی در به وجود آمدن ناهماهنگی ها داشته چرا که منجر به برهم خوردن نظم فکری بازیکنان هم می شود اما در این میان نیز باید توجه ویژه ای به غیبت های سربالی بازیکنان داشت که خود در چینش مربیان اثرگذار بود و شاید اگر پی در پی شاهد مصدومیت ها و محرومیت های چهار عنصر اصلی دفاعی (دانشگر، چشمی، یزدانی و غلامی) نبودیم تعداد گل های خورده استقلال به طرز قابل توجهی کاهش می یافت.

سیاوش یزدانی بارها به دلیل مصدومیت خط دفاع استقلال را تنها گذاشت. عارف غلامی نیز بارها به همین دلیل از ترکیب دور ماند هر چند این بازیکن اصولاً به لحاظ فنی در قد و قواره تیم بزرگی همچون استقلال هم نیست و از همان ابتدا بر سر جذبش حرف و حدیث های بسیاری بود. چشمی هم پیشتر یک هافبک دفاعی محسوب می شود تا مدافعی بی نقص و در همین بازی با پیکان او به دفعات دچار اشتباه شد و شاید بازی گرفتن از او در خط دفاع بیشتر به جهت رهایی از ترافیک هافبک دفاعی ها بود.

محمد دانشگر نیز با انبوهی از حواشی در استقلال روزگار گذرانده که نتیجه رفتارش شده اخراج! یقیناً با این طیف از مدافعان همواره مصدوم و گاه پرحاشیه اساساً نمی شد دفاع آنچنان بی نقصی ساخت.

مربیان استقلال نیز در این ایام نتوانستند رویه مدافعان خود را متحول کنند تا کار به نقطه ای برسد که استقلال در سال های اخیر یکی از ضعیف ترین بیلان های کاری خود در بخش دفاعی را ثبت کند و ۳۰ گل خورده را مقابل نامش ببیند. همچنین استقلال در ۲۹ بازی تنها ۷ بار نتوانسته دروازه اش را بسته نگه دارد (کلین شیت کند). بدون شک مربیان استقلال برای فصل بعد باید تمام نیروی خود را معطوف به ترمیم این نقطه کنند.

لازم است استقلال از جذب مدافعانی با عملکرد متوسط خود را رها کرده و برود سراغ مدافعانی که در سطح عالی قرار دارند چرا که با این طیف در آینده نیز همین آش است و همین کاسه و استقلال بعید است به نقطه روشنی دست یابد. البته در افت نسبی حسینی فقدان یک آلترناتیو جدی هم مؤثر است که باشگاه استقلال باید در راستای دروازه بانی مدعی نیز قدم هایی بردارد تا شاید رقابت در چاچوب دروازه منجر به کاهش تعداد گل های خورده شود.